

نگاهی تطبیقی به سرنوشت مسلمانان و بنی اسرائیل با تکیه بر آیات سوره مائده

امین فتحی*

تاریخ دریافت: ۹۸/۲/۱۸

تاریخ پذیرش: ۹۸/۶/۲۱

چکیده

هدف این مقاله مقایسه وظایف و سرنوشت بنی اسرائیل و مسلمانان در قبال "خلافت" و "وراثت" ظاهری و باطنی، و تحلیل آن با تکیه بر آیاتی از سوره مائده می‌باشد. روش مقاله تحلیلی توصیفی با تدبر در آیات و روایات و استناد به داده‌های تاریخی و تفسیری است. یافته‌های بحث به این ترتیب است که عهد خدا که ولایت و امامت، یعنی همان "خلافت" و "وراثت" باطنی و معنوی است، با نصب خلافت ظاهری تکمیل می‌شود. انسان‌های پاک و مطهر، وارث این دو خلافت بوده و حاکمیت بر زمین مقدس، مظهر و نماد وراثت ظاهری به پشتوانه خلافت باطنی می‌باشد. خلافت معنوی، سبب حفظ خلافت ظاهری و سرزمینی است. امت اسلامی هم همانند بنی اسرائیل، به واسطه دوری از "خلافت" ظاهری و باطنی، از حقیقت اسلام محروم شده نتوانستند آن را حفظ نمایند، لذا الان بیت المقدس، خارج از دسترس مسلمانان است.

کلیدواژگان: عهد الهی، بنی اسرائیل، امت، خلافت، سرزمین.

مقدمه

بعد از هبوط انسان به زمین، خداوند از بندگانش خواست تا با تبعیت از هادیان الهی، بستر زندگی بدون ترس و اندوه را فراهم نمایند، اما محقق نشد. سپس از بنی اسرائیل به عنوان نمادی از ملت‌ها، خواسته شد تا به سرزمین بهشت گون «ارض مقدس» وارد شوند، اما سرپیچی نموده و به علت دوری از وراثت معنوی، نتوانستند وراثت ظاهری و سرزمینی را نیز پس از موسی(ع) حفظ نمایند، امت اسلامی هم به واسطه دوری از "خلافت" و "وراثت" ظاهری و باطنی، از حقیقت اسلام محروم شده نتوانستند آن را حفظ نمایند، لذا الان بیت المقدس، خارج از دسترس مسلمین است.

در قرآن کریم موضوع بنی اسرائیل، یهود و موسی زیاد مورد بحث واقع شده و روایات زیادی در همسانی سرنوشت مسلمانان با بنی اسرائیل از طریق پیامبر بزرگوار اسلام(ص) و اهل بیت مطهرش(ع) وارد شده است، و این امر لزوم توجه جدی به این مسأله و چرایی آن را می‌طلبد؛ در پاسخ به این سؤال که چرا بنی اسرائیل زیاد مطرح شده است، دو جواب، شایان دقت و توجه بیش‌تری است: اول اینکه، هشدار است به مسلمانان که با مطالعه دقیق افکار و رفتار آن‌ها به سرنوشت بنی اسرائیل دچار نشوند. البته روایات متواتر همانندی سرنوشت مسلمین با یهود را نیز از این زاویه باید نگاه کرد. دوم اینکه، تذکری است برای مردم جهان، چراکه بنی اسرائیل، بیش‌ترین تأثیر سوء را بر سرنوشت جوامع بشری داشته و دارند. لذا با توجه به وضعیت امروزین جهان اسلام، پرداختن به این موضوع حیاتی، لازم به نظر می‌رسد. در مسأله یهود و بنی اسرائیل، تفاسیر، کتاب‌ها، مقالات و تحقیقات خوب و مفیدی نوشته شده است، و با جست‌وجویی که در کتب و مجلات علمی و پژوهشی به عمل آمد، در باب مشابهت مسلمانان و بنی اسرائیل، در میان پژوهش‌ها، مقاله مطالعه تطبیقی رفتار بنی اسرائیل و مسلمانان بعد از پیامبرشان با تکیه بر تفاسیر اهل سنت(کامیاب، ۱۳۹۴) که به مشابهت در اختلافات درون دینی، تکذیب و نافرمانی و عهد و پیمان شکنی ناظر بوده و در پایان‌نامه‌ها، بررسی تطبیقی ویژگی‌های مشترک قوم بنی اسرائیل و مردم آخر الزمان از منظر قرآن و روایات معصومین(خلیلی‌زاده حاجی، ۱۳۹۳) که به شباهت‌های اعتقادی و فردی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی اشاره دارد.

اما به همسانی سرنوشت مسلمانان با بنی اسرائیل، به جز «تفسیر کاشف» (حجتی و بی آزار شیرازی، ۱۳۷۹)، کم‌تر پرداخته شده است. این مقاله در صدد تحلیل یکسانی عواقب این دو امت، به خصوص در مسأله خلافت ظاهری و باطنی و وراثت آن، با تأکید بر آیات آغازین سوره مائده می‌باشد. روش کار در این پژوهش، تدبیر در آیات مرتبط قرآن و استناد به منابع معتبر روایی، تاریخی و تفسیری است.

مفهوم شناسی

امت اسلامی

کلمه امت از اُمّ (الف و میم مشدّد) به معنای آنچه که مقصود است و اُمّ الشیء به معنای اصل هر چیزی است (فیومی، ۱۴۱۴ق) و در مجموع در هفت معنا می‌آید: اصل، مرجع، جماعت، دین. قامت، حین و زمان و قصد (ابن فارس، ۱۳۹۹ق). خلیل گوید ام یعنی چیزی که محور و اصل برای انضمام است. مانند: اُمّ الرأس (مغز) و اُمّ القری (مکّه) و اُمّ القرآن - الکتاب - که فاتحة الکتاب است و در آیه شریفه ﴿إِنَّهُ فِي أُمِّ الْكِتَابِ﴾ (زخرف/۴) - لوح محفوظ - چون همه علوم منسوب و متخذ از اُمّ الکتاب است. به مادر ام گفته می‌شود؛ چون همه افراد حول او بوده و به او ضمیمه می‌شوند (خلیل بن احمد، ۱۴۰۹). انضمامی که بعدش قصد و توجه خاص نسبت به او وجود دارد. و امام یعنی کسی که مقصود برای دیگران واقع می‌شود (لنکرانی، ۱۳۹۱).

اما «امت»، هر جماعتی را گویند که چیزی آن‌ها را گرد هم آورده باشد: دین مشترک، زمان یا مکان مشترک؛ چه این اشتراک، اختیاری باشد یا قهری (راغب، ۱۴۱۲). در قرآن کریم، واژه «امت» به معنای جماعت (قصص/۲۳)، انسان جامع و کامل (نحل/۱۲۰)، دین (زخرف/۲۲)، زمان (یوسف/۴۵)، و کسانی که در یک روش زندگی جبری و یا اختیاری مشترک اند (انعام/۳۸) به کار رفته است. از نظر علامه طباطبایی «امت» به معنای جماعتی است از مردم، که اشتراک در هدف واحد مانند: "دین" و یا "سنت واحد" و یا "وحدت" در زمان و مکان آنان را مجتمع ساخته باشد. این کلمه در اصل لغت به معنای قصد است (طباطبایی، ۱۳۹۳، ج ۳ و ۷: ۱۷۲ و ۱۱۲). در ذیل آیه ۱۱۰ آل عمران می‌نویسند: «شما گروه مسلمانان بهترین امتی هستید که خدای تعالی آن را

برای مردم و برای هدایت مردم پدید آورده و ظاهر ساخت. چون شما مسلمانان همگی ایمان به خدا دارید، و دو تا از فریضه‌های دینی خود یعنی امر به معروف و نهی از منکر را انجام می‌دهید و معلوم است که کلیت و گستردگی این شرافت بر امت اسلام، از این جهت است که بعضی از افرادش متصف به حقیقت ایمان، و قائم به حق امر به معروف و نهی از منکرند» (طباطبایی، ۱۳۹۳، ج ۳: ۵۸۳).

بنی اسرائیل

به دوازده فرزند (اسباط) یا قومی گفته می‌شود که به نام پدر و جدشان اسرائیل (یعقوب) نامگذاری شده‌اند، در قرآن کریم موضوع بنی اسرائیل، یهود و موسی زیاد مورد بحث واقع شده است. بر اساس شمارشی که از روی کتاب «المعجم المفهرس» صورت گرفت، کلمات "بنی اسرائیل" چهل و یک بار (دو بار نیز اسرائیل) در هفده سوره و "موسی" ۱۳۶ بار در سی و چهار آیه و "یهود" ۹ بار در چهار سوره آمده است. علامه طباطبایی در تفسیر آیه ۱۳۶ سوره بقره می‌گوید: در میان نسل حضرت اسماعیل به مجموعه‌ای از افراد که به یک پدر و مادر می‌رسند قبیله و به همه مجموعه‌ها قبائل گفته می‌شود ولی در مورد بنی اسرائیل، کلمه قبیله به جای قبیله سبط و به جای قبائل اسباط می‌گویند و بنی اسرائیل ۱۲ سبط داشتند که به این اسباط وحی می‌شده و اگر مراد، قبائل باشد، معنای وحی شد بر آن‌ها، این است که در میان هر سبطی پیامبری بوده است و احتمالی هم هست که مراد از اسباط، ۱۲ شخص از بنی اسرائیل باشد و بر هر کدام از آن‌ها وحی می‌شده است (طباطبایی، ۱۳۹۳، ج ۱: ۳۱۲).

خلیفه‌اللهی انسان و عهد و پیمان الهی

خداوند پس از خلقت نوری انسان‌ها در ابتدای آفرینش، از همه بندگان، در عالم میثاق، بر توحید و ربوبیت خود و هدایت هادیان (انبیاء و اوصیاء) پیمان گرفت و این همان پیمان فطری است. ﴿وَإِذَا اخذ ربك من بني آدم من ظهورهم...﴾ (اعراف/۱۷۲). پس از ورود به جنت، آدم (و آدمیان) به واسطه خطای خود به زمین هبوط کردند و هبوط نوعی محرومیت از عالم‌های قدسی و دور افتادن از اصل خود و مقامات معنوی بود: ﴿قُلْنَا اهبطوا

منها جميعا...» (بقره/۳۸) چراکه «هبوط به معنای پایین آمدن اجباری است، و هنگامی که در مورد انسان به کار می‌رود به معنی پایین رانده شدن به عنوان مجازات است» (شریعت‌مداری، ۱۳۷۷، ج ۴: ۵۶۸). بنی آدم به عنوان خلیفه الله (بالقوه) بر زمین قدم نهاده تا صاحب و وارث زمین شوند: ﴿انِ جاعل فی الارض خلیفة...﴾ (بقره/۳۰)، اما زمینیان به واسطه سطحی نگری، بر ظاهر دنیا بسنده کرده و دچار عهدشکنی گشته و آلوده به ظلم و ستم شدند: ﴿یعلمون ظاهرا من الحیاة الدنیا و هم عن الآخرة هم غافلون﴾ (روم/۷). و هنوز امورات زمین به نیکان روزگار نرسیده و صالحان وارث زمین نشده‌اند، در حالی که این یک وعده الهی است: «...ان الارض یرثها عبادی الصالحون» (انبیاء/۱۰۵) چراکه «آیه مورد بحث هر دو وراثت دنیایی و آخرتی را شامل می‌شود» (طباطبایی، ۱۳۹۳، ج ۱۴: ۴۶۶).

توحید بزرگ‌ترین پیمان الهی و میثاق بر اطاعت از انبیاء و اوصیاء در راستای رهایی از ظلمت خودبینی و هواپرستی و رسیدن به نور توحید است: ﴿الله ولی الذین آمنوا یرحمهم من الظلمات الی النور...﴾ (بقره/۲۵۷). پذیرش حاکمیت خدا و قبول هدایت پیامبران و رهبری معنوی و الهی امامان همان عهد خدایی و زمینه ساز وراثت معنوی بر زمین است: ﴿اطیعوا الله و اطیعوا الرسول و اولی الامر منکم﴾ (نساء/۵۹). ﴿و اوفوا بعهدی اوف بعهدکم﴾ (بقره/۴۰). نتیجه حکومت صالحان، رسیدن به زندگی ایده آل، یعنی «حیاء طيبة» و یا حیات برتر در زمین است: ﴿...فلنحیینه حیاة طيبة﴾ (نحل/۹۷) و حیات برتر نیز در پرتو پاکی درون و در راستای قدسی شدن زمین و زمان و تبدیل آن به زمین مقدس است: ﴿یوم تبدل الارض غیر الارض...﴾ (ابراهیم/۴۸). «از امام سجاد(ع) روایت شده است: یعنی زمینی که بر روی آن معصیت نشده است» (فیض کاشانی، ۱۳۶۲، ج ۱: ۸۹۴).

ارض مقدسه

در اینکه منظور از "ارض مقدسه" که در آیه ۲۱ سوره مائده آمده چه منطقه‌ای است، میان مفسران اختلاف است: «بعضی آن را سرزمین بیت المقدس و بعضی شام و بعضی دیگر اردن یا فلسطین یا سرزمین طور، می‌دانند، اما بعید نیست که منظور از سرزمین مقدس تمام منطقه شامات باشد که با همه این احتمالات سازگار است، زیرا این منطقه به گواهی تاریخ مهد پیامبران الهی و سرزمین ظهور ادیان بزرگ، و در طول تاریخ

مدتها مرکز توحید و خداپرستی و نشر تعلیمات انبیا بوده اگرچه گاهی به خصوص منطقه بیت المقدس نیز این نام اطلاق می‌شود» (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۹، ج ۴: ۳۳۸).

از نظر علامه طباطبایی خدای سبحان در این آیه سرزمین مورد نظر خود را به قداست توصیف کرده و مفسرین مقدس بودن آن سرزمین را به خاطر سکونت انبیاء و مؤمنین در آن که مطهر از شرک است، تفسیر کرده‌اند و در قرآن کریم چیزی که این کلمه را تفسیر کند و به ما بفهماند چرا آن سرزمین مقدس است وجود ندارد، و آنچه که ممکن است در این باب مورد استفاده قرار گیرد آیه شریفه ﴿إلى المسجد الاقصى الذى باركنا حوله﴾ و آیه شریفه ﴿واورثنا القوم الذين كانوا يستضعفون مشارق الارض ومغاربها التى باركنا فيها﴾ است، که در هر دو آیه پیرامون مسجد اقصی سرزمین مبارک معرفی شده، و معلوم است که مبارک بودن آن جز برای این نبوده که خدای عز و جل خیر کثیر در آن سرزمین قرار داده بود، و منظور از خیر کثیر جز اقامه دین و از بین بردن قذارت شرک نمی‌تواند باشد (طباطبایی، ۱۳۹۳، ج ۵: ۴۶۹).

سوره مائده

«مائده» در لغت به معنای غذا می‌باشد که از آیه ۱۱۲ این سوره گرفته شده است: ﴿ربنا انزل علينا مائدة من السماء...﴾ و آخرین سوره‌ای است که بر پیامبر اکرم (ص) نازل شده است. به عبارت دقیق‌تر، آخرین آیات قرآن (آیه "اتمام نعمت و اکمال دین" و آیه "تبلیغ") در این سوره قرار گرفته است. چراکه پس از کمال دین، معنی ندارد سوره دیگری نازل شود.

مفاد آیات ابتدایی سوره و ارتباط آن‌ها با موضوع

با در نظر گرفتن اینکه در سوره‌های قبلی، پیمان شکنی‌های بنی اسرائیل به شکل پررنگ مطرح شده است، در آغاز اولین آیه این سوره، از مؤمنان دعوت می‌کند به عهدشان پای‌بند باشند و چون کامل شدن دین و رسمیت یافتن اسلام، به معنای اعلام نسخ شریعت موسی (ع) و عیسی (ع) می‌باشد، لذا حلیت برخی از این حلال گوشتان را

که بر بنی اسرائیل حرام بوده در ادامه آیه، اعلام می‌نماید و در آیه دوم، پای‌بندی بر قوانین الهی و مقررات شریعت را درخواست کرده و بر تقوای الهی و حسن همکاری‌های اجتماعی تأکید می‌نماید. در ادامه، ضمن بیان پاره‌ای از دیگر محرمات و ذکر احکام میته، اشعار می‌دارد که دین، هیچ کمبودی نداشته و جای نفوذی برای کفار باقی نمانده است. و چون احکام الهی، شریعتی از دین بوده و دین نعمت است، تکمیل دین و اتمام نعمت را با نصب امامت و تداوم رهبری آسمانی مردم پس از پیامبر(ص) را با فریاد رسا اعلام می‌دارد(مفاد آیه ۳). سپس با ذکر دلایل حلیت احکام و آداب مراوده با اهل کتاب، به تبیین احکام وضو و تیمم پرداخته و فلسفه حکام را، رسیدن به طهارت انسانی می‌داند(موضوع آیات ۴ تا ۶). آنگاه در آیه هفتم، مؤمنین را متذکر همه نعمت‌ها به ویژه نعمت میثاق الهی می‌نماید چراکه رسیدن به نگاه توحیدی و درک مقام معنوی ولایت، و پای‌بندی بر پیمان الهی و تبعیت از آن را سرآمد نعمت‌ها می‌داند. به این ترتیب، قیام به حق، حق‌گویی، حق‌خواهی و عدالت‌طلبی، مطلوب خدا می‌شود(مفاد آیه ۸). سپس به پاداش دو دسته از انسان‌ها یعنی اهل ایمان و عمل صالح و اهل کفر و تکذیب آیات الهی اشاره می‌شود(موضوع آیات ۹ و ۱۰). آنگاه به یکی از آثار بهره‌مندی از نعمت رهبری الهی(کوتاهی دست بدخواهان و دشمنان دین) پرداخته و یادآور نعمت رهبری دوازده نقیب(جانشین) بنی اسرائیل و متذکر پیمان اطاعت از آنان می‌شود(موضوع آیات ۱۱ و ۱۲) و در ادامه، مسأله نقض میثاق و قساوت قلب و تحریف کتاب آسمانی توسط یهود را مطرح کرده(موضوع آیات ۱۴ و ۱۵) و با اعلام رسالت پیامبر اسلام(ص) و برملا شدن کتمان آیات الهی توسط اهل کتاب، هدایت به صراط مستقیم و خروج از ظلمت تعصبات جاهلی را بر جویندگان رضایت الهی مزده می‌دهد(موضوع آیات ۱۵ و ۱۶). اما در واقع این سوره در صدد بیان آن مائده آسمانی است که زمین را به آسمان پیوند می‌دهد و آن، عبارت است از لزوم رهبری الهی و تداوم آن در زندگی انسان است. وفای به عهدی هم که خدا خواسته است، شامل هرگونه عهد و پیمانی می‌شود(عهد انسان با خود و دیگران، به خصوص عهد با حجت الهی و به ویژه میثاق با خدا)، و از دیدگاه علامه طباطبایی «... ممکن است مراد از عهد، مطلق تکالیفی باشد که متوجه مؤمنین شده است، چون در قرآن ایمان مؤمن را عهد و میثاق او نامیده است»(تاج‌دینی، ۱۳۸۲: ۴۱۶).

در این صورت، بیان احکام الهی بخشی از نعمت و میوه‌ای از آن درخت پرثمر بوده و قرآن کریم به پای‌بندی بر این احکام و مقررات تأکید کرده و خروج از فسق و شکوفایی انسانیت را نیز حاصل وفای بر مطلق عهد الهی می‌داند.

روایات همسانی

روایات زیادی از طرق شیعه و سنی در منابع مختلف روایی در همسانی بنی اسرائیل و مسلمانان آمده که به نمونه‌هایی از آن در چند عنوان اشاره می‌شود:

الف. همسانی هارون با امام علی(ع) در خلافت(روایت متواتر حدیث منزلت):

«عنه صلی الله علیه وآله لِعَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّكَ مِنِّي بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى، وَلَكَ بِهَارُونَ أَسْوَةٌ حَسَنَةٌ؛ إِذِ اسْتَضَعَفَهُ قَوْمُهُ وَكَادُوا يَقْتُلُونَهُ، فَاصْبِرْ لِظُلْمِ قُرَيْشٍ إِتْيَاكَ، وَتَظَاهِرِهِمْ عَلَيْكَ؛ فَإِنَّكَ بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ.»

پیامبر خدا(ع) خطاب به علی(ع): تو برای من، به منزله هارون برای موسی هستی و هارون برای تو نمونه خوبی است، آنگاه که قومش او را منزوی کردند و نزدیک بود که او را بکشند. پس، [تو نیز] بر ظلم قریش و تبنانی‌شان بر ضدّ خویش صبر کن که تو به منزله هارونی«(محمدی ری شهری، ۱۳۸۶، ج ۱۳: ۴۰).

ب. همسانی در تعداد خلفاء

۱- «إِنَّ عِدَّةَ الْخُلَفَاءِ بَعْدِي عِدَّةُ نَقَبَاءِ مُوسَى، پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: شمار جانشینان من به تعداد نقبای موسی است»(محمدی ری شهری، ۱۳۷۵، ج ۱: ۲۶۲).

۲- «الْأئِمَّةُ بَعْدِي اثْنَا عَشَرَ عَدَدُ نَقَبَاءِ بَنِي إِسْرَائِيلَ، كُلُّهُمْ أَمَنَاءُ أَتَقِيَاءُ مَعْصُومِينَ.»

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: امامان پس از من دوازده تن هستند به شمار نقیبان بنی اسرائیل که همه آن‌ها امین و پرهیزگار و معصوم هستند»(محمدی ری شهری، ۱۳۹۴، ج ۱: ۱۵۲).

۳- «عن أبي قتادة، قال: سمعت رسول الله(ص) يقول: الأئمة بعدی اثنا عشر عدد نقباء بنی اسرائیل و حواری عیسی؛ قتاده می‌گوید شنیدم که رسول خدا(ص) فرمود: امامان بعد از من دوازده نفرند به تعداد نقبای بنی اسرائیل و حواریون حضرت عیسی(ع)»(بحرانی، ۱۳۷۸، ج ۱: ۲۴۲).

ج. همسانی در سرنوشت

۱- «عنه صلی الله علیه وآله: لَيَأْتِيَنَّ عَلَى أُمَّتِي مَا أَتَى عَلَى بَنِي إِسْرَائِيلَ؛ حَذَوَ النَّعْلِ بِالنَّعْلِ پیامبر خدا صلی الله علیه وآله: آنچه بر بنی اسرائیل گذشته است، قدم به قدم، بر امت من نیز خواهد گذشت» (محمّدی ری شهری، ۱۳۸۴، ج ۵: ۳۹۲).

۲- «لَيَأْتِيَنَّ عَلَى أُمَّتِي مَا أَتَى عَلَى بَنِي إِسْرَائِيلَ حَذَوَ النَّعْلِ بِالنَّعْلِ. إِنَّ بَنِي إِسْرَائِيلَ تَفَرَّقَتْ عَلَى ثِنْتَيْنِ وَسَبْعِينَ مِلَّةً، وَتَفْتَرِقُ أُمَّتِي عَلَى ثَلَاثٍ وَسَبْعِينَ مِلَّةً كُلُّهُمْ فِي النَّارِ إِلَّا وَاحِدَةً».

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: آنچه به سر بنی اسرائیل آمد، مو به مو بر سر امت من نیز خواهد آمد. بنی اسرائیل هفتاد و دو ملت شدند و امت من نیز به زودی هفتاد و سه ملت خواهند شد، که به جز یک ملت (فرقه)، همه در آتش باشند» (محمّدی ری شهری، ۱۳۸۴، ج ۹: ۱۱۸).

۳- «عیاشی در تفسیر خود از فضل بن ابی قره روایت نموده که گفت: از حضرت صادق علیه السلام شنیدم می فرمود: چون گرفتاری بنی اسرائیل به طول انجامید چهل صبح رو به درگاه الهی آورده به گریه و زاری پرداختند. خدا هم به موسی و هارون وحی فرستاد که آن‌ها را از شر فرعون نجات می دهد و صد و هفتاد سال از چهار سال گرفتاری آن‌ها را برداشت. سپس امام ششم فرمود: همچنین شما اگر مثل بنی اسرائیل در درگاه خداوند به گریه و زاری بپردازید؛ خداوند فرج ما را نزدیک خواهد کرد، اما اگر چنین نباشید، این سختی تا پایان مدتش خواهد رسید» (عیاشی، ۱۳۸۰، ج ۲: ۱۵۴).

د- سایر همسانی‌ها

۱- «عنه صلی الله علیه وآله: عُلَمَاءُ أُمَّتِي كَأَنْبِيَاءِ بَنِي إِسْرَائِيلَ. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: علمای امت من، همانند پیامبران بنی اسرائیل اند» (محمّدی ری شهری، ۱۳۸۴، ج ۸: ۱۸).

۲- «عنه صلی الله علیه وآله لِعَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَثَلُكَ فِي أُمَّتِي مَثَلُ بَابِ حِطَّةٍ فِي بَنِي إِسْرَائِيلَ؛ فَمَنْ دَخَلَ فِي وِلَايَتِكَ فَقَدْ دَخَلَ الْبَابَ كَمَا أَمَرَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ».

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله- به علی علیه السلام:- مَثَلُ تُو دَر بَيْنِ أُمَّتِ مَن، مَثَلِ «دروازه آمرزش» در بین بنی اسرائیل است. آن که در ولایت تو در آید، از در، همانگونه

که خداوند عز و جل به او دستور داده، وارد شده است (محمدی ری شهری، ۱۳۸۶، ج ۸: ۱۵۴).

بحث و بررسی

یکی از نعمت‌های خدا بر بنی اسرائیل این بود که می‌خواست آن‌ها وارد زمین مقدس بشوند: ﴿يَا قَوْمِ ادْخُلُوا الْأَرْضَ الْمُقَدَّسَةَ الَّتِي كَتَبَ اللَّهُ لَكُمْ...﴾ (مائده/۲۱). اما آنان وارد نشده و میثاق شکستند و در نتیجه دچار قساوت قلبی گردیده و فاسق شدند و موجبات لعنت الهی را برای خود فراهم نمودند: ﴿فَمَا تَنْقَضُهُمْ مِيثَاقَهُمْ لَعْنَاهُمْ وَجَعَلْنَا قُلُوبَهُمْ قَاسِيَةً﴾ (مائده/۱۳).

با عنایت به موضوع، مشترک بودن امت اسلامی در سرنوشت امت‌های پیشین، به خصوص همانندی با سرنوشت بنی اسرائیل در بیان متواتر نبوی(ص)، می‌توان در مقام مقایسه، به نکات و اشاره‌ها و پیام‌های پرباری رسید از جمله:

۱- در طول تاریخ، انسان‌ها همواره به دو دسته حق و باطل تقسیم شده‌اند، از هابیل و قابیل گرفته تا طوفان نوح(ع)، در ادامه، فرزندان حضرت ابراهیم(ع)، یعنی بنی اسماعیل و بنی اسرائیل نیز مصداقی از این دو جریان تاریخی‌اند (موسوی زنجانی، ۱۳۸۶: ۲۷).

۲- وقتی که ابراهیم(ع) عهد خدا را به جا آورده و از آزمون‌ها سربلند بیرون آمد، خداوند به او مقام امامت داد (معلوم می‌شود مقام امامت مهم‌تر از نبوت است، امامت هم دارای درجاتی است که بالاترین درجه را پیامبر اسلام(ص) سپس اهل بیتش دارند)، عرض کرد خدایا آیا از فرزندان من هم امام خواهد بود؟ جواب آمد: عهد من شامل ظالمین نمی‌شود (بقره/۱۲۴). یعنی آن‌هایی که ظلم بر خود و دیگران کنند و به طور مشخص عهدشکنی کنند، آن عهد خدا که ولایت و امامت است (یعنی همان خلافت معنوی و نه خلافت ظاهری فقط) به آن‌ها نمی‌رسد.

۳- آن وراثت ظاهری را که موسی(ع) مأموریت داشت بنی اسرائیل را وارد ارض مقدسه کند، آن‌ها مخالفت نموده وارد نشده و بر خود ستم کردند و ۴۰ سال آواره و محروم شدند. «خدا فرمود: اینک چنین مقرر کردیم که بنی اسرائیل مدت چهل سال از

ورود به آن سرزمین محروم باشند. آنان در طول این مدت بر روی زمین سرگردان خواهند بود؛ نه چون شهرنشینان در شهری استقرار می‌یابند و نه چون صحرائشینان در بیابان زندگی می‌گذرانند. این کیفر آنان است، پس بر این تمردپیشگان از اینکه کیفر الهی را می‌چشند اندوه مخور» (مائده/۲۶). البته پس از موسی، یوشع بن نون به پیامبری مبعوث و مأمور شد بنی اسرائیل را از رود اردن عبور داده و وارد ارض مقدس کند... آنها تا زمانی که در مسیر حق و خدا بودند، به آسانی به حاکمیت دست می‌یافتند چراکه توان اجرا و گسترش آن را داشتند، اما وقتی انحراف در آنها ایجاد شد هرم، خواسته‌ها و مفاهیم، معکوس شد (علیزاده، ۱۳۸۷: ۱۱۲).

۴- با استجاب دعای ابراهیم (ع): «پروردگارا، و ما را در همه امور تسلیم خود گردان و از نسل ما نیز گروهی مقرر دار که در همه حال تسلیم تو باشند» (بقره/۱۲۸). امامت به آن دسته از ذریه آن حضرت از نسل اسماعیل یعنی بنی اسماعیل که دچار ظلم نشده بودند بلکه نسل‌های پاکی بودند می‌رسد. یعنی آن خلافت معنوی به پیامبر اسلام (ص) و اهل بیتش به عنوان آل ابراهیم می‌رسد. ﴿ان الله اصطفى آدم ونوحا و آل ابراهیم و آل عمران علی العالمین ذریة بعضهم بعض...﴾ (۳۳ و ۳۴ آل عمران). بدین ترتیب ولایت از بنی اسرائیل به بنی اسماعیل، یعنی مسلمانان منتقل می‌شود (حجتی و بی‌آزار شیرازی، ۱۳۷۶، ج ۳: ۱۳۲).

۵- علت حضور تاریخی اهل کتاب هم (به خصوص یهود) در شبه جزیره عربستان و مکه و مدینه، انتظار ظهور «احمد» (ص)، آخرین پیامبر خدا بود (جعفری، ۱۳۸۴: ۷۰) و در اوایل حضور آن حضرت در مدینه با ایشان پیمان هم می‌بندند. ولی با توجه به ویژگی عهدشکنی یهود، هم آن عهد قبلی را شکستند که به خاطر آن منتظر ظهورشان بودند و هم عهد بعدی را که با آن حضرت بسته بودند، گسستند (سبحانی، ۱۳۸۹: ۷۲۲).

۶- علت عهدشکنی یهود بهره‌مندی از متاع اندک زندگی و ترجیح دنیا بر آخرت بود ﴿اولئک الذین اشتروا الحیاة الدنیا بالآخرة...﴾ (بقره/۸۶)، آنان بر باطل لباس حق پوشانده و آگاهانه حقیقت را کتمان نمودند. ﴿ولم تلبسوا الحق بالباطل و تکتّموا الحق وانتم تعلمون﴾ (بقره/۴۲) و بدین ترتیب آیات الهی مبنی بر بشارت ظهور احمد (ص) را به

کالای اندکی فروخته و این منتظران دروغین دیروزی از اولین مخالفین سرسخت و منکرین حقانیت آخرین پیامبر خدا شدند(مفاد آیه ۴۱ بقره).

۷- یهود در اوایل بعثت، این آرزو را داشتند که پیامبر(ص) را وابسته به خود نمایند(بقره/۱۲۰). بعدها امید به برچیده شدن اسلام پس از رحلت آن حضرت بسته بودند. چون که ایشان پسر نداشت اما غافل از تداوم نسل پاک پیامبر(ص) از زهرای اطهر(س) و علی مرتضی(ع) بودند.

﴿اناعطیناک الکوثر﴾ (کوثر/۱). آنانی که آمال شیطانی در سر داشته و امید واهی به دوران پس از پیامبر(ص) بسته بودند، از فهم حقیقت کوثر بهره‌ای نداشتند و متوجه نشدند که علی جان پیامبر و فاطمه پاره تن اوست(اشاره به آیه مباهله آل عمران/۶۱) و نسل او پرچمداران توحید و حقیقت تا روز قیامت‌اند(محمدی ری شهری، ۱۳۸۳، بخش دوم تا پنجم). و یا حداقل این انتظار را داشتند که اسلام محدود به شبه جزیره عربستان می‌شود.

اما دیدند اسلام روز به روز تقویت و جهانگیر می‌شود، لذا حسادتشان برانگیخته شد. ﴿ایحسدون الناس علی ما آتیهم الله من فضله فقد آتینا آل ابراهیم الكتاب والحکمة و آتیناهم ملکا عظیما﴾ (نساء/۵۴) که در این آیه شریفه نیز به علم و حکمت و امامت و حکومت پیامبر(ص) و اهل بیتش به عنوان آل ابراهیم تصریح و به حسادت اهل کتاب به این موضوع اشاره شده است. سپس به بهانه‌جویی‌های مختلف و آنگاه به مخالفت جدی با پیامبر(ص) برخاستند به حدی که طمع این را داشتند که پیامبر(ص) هم تابع دین آن‌ها شود، نه صاحب دین مستقل: ﴿ولن ترضی عنک الیهود و لما النصراری حتی تتبع ملتهم...﴾ (بقره/۱۲۰).

عبرت‌های مقایسه دو سرنوشت

۱- ای مسلمانان سرنوشت بنی اسرائیل و نتیجه پیمان شکنی آن‌ها برای عبرت گرفتن شما کافی است. پس به عهدتان با پیامبرتان پایداری کنید. اگر پیامبر(ص) نبود، قدرت تشخیص خوردنی‌های پاک را از ناپاک نداشتید تا چه برسد به تشخیص راه از چاه و حق از باطل(اشاره به آیه اول).

۲- حرمت شعائر الهی و نشانه‌های حق‌جویی را پاس داشته و همدیگر را در این مسیر یاری نمایید. مبدا تصمیم انحرافی و نفسانی عده‌ای، باعث تعدی شما گردد، چراکه بنی اسرائیل در روز شنبه تعدی کردند(اشاره به آیه دوم).

۳- برای شما آب حیات فرستاده شده است، قدر آن چشمه جوشان را بدانید و اعتنایی به آب‌های راكد و گندیده حوضچه‌ها و آبریزگاه‌ها ننمایید. علم را از اهلش بگیرید. برای رسیدن به شهر دانش از درش وارد شوید، آن «در» را گم نکنید که در حیرت گمراهی‌ها خواهید ماند و آن رهبری الهی را از دست ندهید که دچار گرگ‌های بیابان خواهید شد. رشته امامت پیامبر(ص) و رهبری دین شما مسلمانان پاره نشده است تا از پیش خود به فکر چاره جویی باشید. بلکه این امری است مقدس و موضوعی است مهم که اساس دین و دینداری بر آن استوار است. چراکه دین بدون رهبر کامل نیست. نگران حل این مشکل نباشید، چراکه این مشکلی نیست که بتوان با قرعه نمودن از آن خارج شد. بلکه آن انتخابی است الهی که کمال دین به آن بستگی دارد و نعمت‌های ظاهری و باطنی خداوند با این نسل مقدس تمام می‌شود. از دشمنان اسلام نترسید چراکه با وجود رهبری الهی و معنوی که مجهز به دانش بی پایان و پاکی نفس است، هیچ گونه خطری شما را تهدید نخواهد کرد، بلکه آنچه که می‌بایست از آن ترسیده و دوری کنید، خود و هوای نفستان است که به سمت پیمان شکنی و فسق کشیده خواهد شد. ای اهل ایمان حقیقت اسلام و اسلام حقیقی این است و امروز همان را برای‌تان به عنوان دین کامل پسندیدم(اشاره به آیه سوم).

۴- ما قبلاً از بنی اسرائیل میثاق گرفته و دوازده سالار برگزیده قرار دادیم. برای شما مسلمین نیز با کامل شدن دینتان همانطور دوازده پیشوا قرار دادیم. نکند شما هم مثل آن‌ها دچار عهدشکنی شده و از جانشینان برحق پیامبرتان دوری نموده و در تکریم آن‌ها کوتاهی نمایید(اشاره به آیه دوازدهم).

۵- قساوت قلب موجب فسق بوده و فسق، زمینه ساز هرگونه تصمیم نابخاست که تحریف کلام خدا از جمله آن است. بنی اسرائیل دست به هر دو تحریف لفظی و معنوی تورات زدند و امروزه وضعیت جهان اسلام و مسلمانان نشانگر تحریف معنوی قرآن است، یعنی از معانی و مقاصد اصلی خودش دور شده و بعضاً بر معانی سطحی و یا غیر واقعی و

مبهم حمل می‌شود. حمل «الیوم» بر روز فتح مکه و یا عرفه از این قبیل است (اشاره به آیه سیزدهم).

۶- پیامبر شما نیز نشانه‌های زیادی برای شما بیان کرده است. اما مخفی کردید و اگر حقیقت خواه باشید آن را در قرآن، کتاب نور و روشنگر حقایق خواهید یافت. اهل بیت پیامبر (ص) در قرآن معرفی شده و بر این مطلب تأکید نیز شده است. اما به نص خفی و نه صریح. چراکه اگر به طور صریح معرفی می‌شد در معرض تحریف لفظی نیز قرار می‌گرفت و یا مورد سوء استفاده قرار می‌گرفت. درست است که فرمود: ﴿انانحن نزلنا الذکر واناله لحافظون﴾ (حجر/۹). اما باید توجه نمود که خداوند امورات را از مجاری اسباب محقق می‌سازد: ﴿ابن الله ان یجری الامور الالباسیابها...﴾ و عدم تصریح به الفاظ و نام‌ها، یکی از اسباب حفظ است.

مهم‌تر از آن، اینکه اگر نام اهل بیت هم در قرآن می‌آمد باز برای تشخیص و تطبیق مصادیق و نیز مدعیان بر مصداق اصلی، نیاز به معیار بود. لذا شیوه قرآن کریم در نگاه اول، معرفی شخصیت اهل بیت است، نه ذکر نام اشخاص. و یکی از رسالت‌های اساسی پیامبر بزرگوار اسلام (ص) تبیین آیات قرآن است: ﴿... وانزلنا الیک الذکر لتبین للناس ما نزل بهم ولعلهم یتفکرون﴾ (نحل/۴۴) و معرفی اشخاص و اسامی اهل بیت (ع) به عنوان تبیین آیات الهی نظیر آیه «تطهیر» و «ولایت» و «عشیره» و «قربی» و غیره در بیانات صریح و شفاف آن حضرت در زمان‌ها و مکان‌های مختلف و به طور رسمی در روز عید غدیر خم، آمده است.

اگر بدون تعصب جاهلانه ﴿حمیة الجاهلیة...﴾ (فتح/۲۶). به تاریخ صدر اسلام نگاه کنیم، قیام‌هایی که به نام «مهدی» در زمان بنی امیه و بنی عباس شده است و متأسفانه بعضاً تا کنون نیز ادامه دارد، نتیجه سوء استفاده از ذکر نام خلفای دوازده گانه در بیان حضرت ختمی مرتبت بوده است. حال اگر اسامی آن حضرت در قرآن ذکر می‌شد معلوم می‌شد که چه سوء استفاده‌هایی شده و چه مشکلاتی برای جامعه اسلامی به بار می‌آورد. البته در اینجا نکته ظریفی که می‌توان اشاره کرد این است که، آیا علل تلقی به قبول دوازدهمین خلیفه پیامبر (ص) از سوی فرق مسلمین، حکایت از سیاسی بودن ریشه این پذیرش نمی‌کند؟ بدین معنی که خلیفه‌ای بوده و در آینده ظهور می‌نمود و ذکر نام او و

اعتقاد به ظهور او، مزاحم اغراض سیاسی سیاستمداران آن روزگار نبود. بر خلاف پذیرش یازده خلیفه و جانشین‌های قبلی، که در تعارض با حکومت حاکمان و امیال امپراطوری‌های شکل گرفته در سرزمین‌های مسلمانان بود.

۷- امام از بیرون به معیار عقلی و از درون به ایمان و پیمان درونی شناخته می‌شود. با قرآن می‌شود امام را یافت و با امام می‌توان به معارف و حقایق قرآن رسید.

مشابتهای مقایسه

۱- همچنان که بنی اسرائیل مأمور به ورود به «زمین مقدس» بودند، امت اسلامی نیز به این موضوع مأمور شدند. پس از واقعه غدیر در حجة الوداع (آخرین حج پیامبر(ص))، آن حضرت وقتی که به مدینه می‌رسند، دستور تجهیز سپاه بزرگی به فرماندهی /سامه بن زید می‌دهند که جهت فتح منطقه شام و فلسطین حرکت کنند و این درست زمانی است که با نصب امامت، آن ولایت و وراثت معنوی کامل شده و می‌خواهند وراثت ظاهری را نیز عملی بکنند.

۲- بنی اسرائیل با فرمان موسی(ع) مخالفت نموده و وارد آن سرزمین نشدند. مسلمانان نیز علی‌رغم اظهار نگرانی‌های پیامبر(ص)، مبنی بر تأخیر سپاه /سامه، تعلل نموده و عملاً دستور صریح آن حضرت بر زمین ماند(پیشوایی، ۱۳۸۲: ۳۲۷).

۳- بنی اسرائیل پس از موسی(ع) به «ارض مقدسه» وارد شدند، مسلمانان نیز در سال ۱۷ هجری (هفت سال پس از پیامبر(ص))، وارد بیت المقدس شدند(بلاذری، ۱۳۳۷: ۲۰۲).

۴- یهود به واسطه اینکه از وراثت معنوی دور شده بودند نتوانستند وراثت ظاهری و سرزمینی را نیز حفظ نمایند، امت اسلامی نیز به واسطه دوری از ولایت معنوی از محتوای حقیقت اسلامی محروم شده نتوانستند آن را حفظ نمایند، یعنی خلافت و ولایت که از بنی اسرائیل به بنی اسماعیل منتقل شده بود حفاظت نشد، لذا از هر دو وراثت محروم شدند و الآن بیت المقدس نیز در دست مسلمین نیست. «پیغمبر اسلام مسلمانان را متوجه کرد و به آنها هشدار داد که اگر شما هم مانند بنی اسرائیل دین و کتاب خدا را و «مخصوصاً مسأله ولایت را پشت سر بیندازید و راه کفر و نفاق را در پیش

بگیرید، همان عذاب‌ها که برای بنی اسرائیل مقدر شده است برای شما هم مقدر می‌شود. تقدیرات مسلمانان هم چنان شد که خداوند برای بنی اسرائیل خبر داد» (صالح غفاری، ۱۳۹۲).

۵- خداوند از هر دو امت وفاداری به پیمان خواسته و از نقض میثاق پرهیز داده‌اند، اما باکمال تأسف فاصله بین ۱۸ ذی الحجه تا ۲۸ صفر سال یازده هجری و تشکیل شورای سقیفه، ۷۰ روز است. سألی در اینجا مطرح است: اگر مبنای آن شورا آیه ﴿وَأْمُرْهُمْ شُورَىٰ بَيْنَهُمْ﴾ هست، چرا آن شوری فقط یک بار اتفاق افتاد و بعدها نیز خلافت نبوی (ص)، آن جایگاه رفیع آسمانی و رهبری الهی، به سلطنت موروثی و حکومت پادشاهی تبدیل شد؟

۶- حضرت موسی (ع) از دست سامری غمگین شدند، پیامبر اسلام (ص) غضبناک به غضب فاطمه (س) هستند. سألی که مطرح می‌شود این است که چرا قبر شریف آن کوثر الهی و بزرگ بانوی اسلام پنهان مانده است؟

۷- خلیفه الله بالفعل، خلیفه رسول خدا (ص) و حجت الهی و قلب تپنده امت است. امام، حقیقت اسلام و جریان حیات بشری و کمال زندگی است. رسول خدا (ص) فرمودند: «أنا مدينة العلم وعلی بابها، فمن أراد العلم فلیأته من بابها»، «من شهر علم هستم و علی دروازه آن. پس، هر که علم خواهد باید که از آن وارد شود» (محمدی ری شهری، ۱۳۸۷: ۳۸). و نیز فرمود: «مثل اهل بیت من در میان شما همچون باب حطه است در میان بنی اسرائیل، هر کس از آن در آید آمرزیده شود» (محمدی ری شهری، ۱۳۸۳: ۱۲۴).

نتیجه بحث

بعد از محرومیت آدمیان از جنت و هبوط به زمین، خدای متعال از بندگانش خواست تا با تبعیت از هادیان الهی، بستر زندگی بدون ترس و اندوه را برای خود فراهم نمایند، اما این امر هرگز محقق نشد. سپس از بین انسان‌ها، از بنی اسرائیل به عنوان یک امت و نمادی از ملت‌ها، خواسته شد تا به سرزمین بهشت‌گون «ارض مقدسه» وارد شوند، اما آن‌ها سرپیچی نموده و غذای زمینی را بر آسمانی ترجیح داد و به زندگی شهری هبوط

کردند. آنگاه از امت اسلامی دعوت شد، به شهر آسمانی و معرفتی نبوی(ص)، از درش وارد شوند و مبادا مخالفت نمایند که به سرنوشت بنی اسرائیل دچار می‌شوند و برای نشان دادن اطاعت خود، از سرزمین مقدس قدس آغاز نمایند، که بدون ولی الهی(ع)، نمی‌توانند وارد شوند و اگر هم توانستند، قدرت حفظش را نخواهند داشت. ولی متأسفانه آنچه که نمی‌بایست بشود، اتفاق افتاد، و مسلمانان همچون یهود، به سبب دوری از ولایت معنوی، از محتوای حقیقت اسلام محروم شده و نتوانستند آن را حفظ نمایند، لذا الآن بیت المقدس، خارج از دسترس مسلمین است. این وضعیت تداوم خواهد داشت تا زمانی که جهان اسلام به خود آمده و به دنبال آخرین ذخیره خدا و حجت الهی(عج) باشد و با پذیرش اطاعت او، و ظهور ولایت ظاهری و باطنی، زمین را با عطر گلستان بندگی، به زمین مقدس و پاکی تبدیل نمایند.

کتابنامه

قرآن کریم.

- أحمد بن فارس. ۱۳۹۹ق، معجم مقاییس اللغة، قم: دار الفکر.
- بحرانی، هاشم بن سلیمان. ۱۳۷۸ش، الإنصاف، ترجمه هاشم رسولی، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- بلاذری، احمد بن یحیی. ۱۳۳۷ش، فتوح البلدان، ترجمه محمد توکل، تهران: نقره.
- پیشوایی، مهدی. ۱۳۸۲ش، تاریخ اسلام، قم: معارف.
- جعفری، یعقوب. ۱۳۸۴ش، تاریخ اسلام از منظر قرآن، قم: معارف.
- حجتی، سید محمدباقر و بی آزار شیرازی. ۱۳۷۹ش، تفسیر کاشف، ج ۳، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- خلیل بن احمد فراهیدی. ۱۴۰۹ق، ترتیب کتاب العین، قم: مؤسسه دار الهجرة.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۴۱۲ق، المفردات فی غریب القرآن، بیروت: دار الشامیة.
- سبحانی، جعفر. ۱۳۸۹ش، فروغ ابدیت، قم: بوستان کتاب.
- شریعتمداری، جعفر. ۱۳۷۷ش، شرح و تفسیر لغات قرآن بر اساس تفسیر نمونه، مشهد: آستان قدس رضوی.
- طباطبایی، سید محمد حسین. ۱۳۹۳ش، المیزان، (ترجمه ۲۰جلدی)، ج ۱۲ و ۱۴ قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- عبدالباقی، محمد فؤاد. ۱۳۸۷ش، المعجم المفهرس لألفاظ القرآن الکریم، تهران: انتشارات اسلامی.
- عیاشی، محمد بن مسعود. ۱۳۸۰ق، تفسیر العیاشی، ج ۲، تهران: چاپخانه علمیه.
- فیض کاشانی، محسن. ۱۳۶۲ش، الصافی فی تفسیر القرآن، ج ۱، تهران: المكتبة الاسلامیة.
- فیومی، احمد بن محمد، ۱۴۱۴ق، المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر للرافعی، قم: مؤسسه دار الهجرة.
- محمدی ری شهری، محمد. ۱۳۸۳ش، اهل بیت در قرآن و حدیث، ترجمه حمیدرضا شیخی و حمیدرضا آذیر، قم: دار الحدیث.
- محمدی ری شهری، محمد. ۱۳۸۴ش، حکمت نامه پیامبر اعظم (ص)، ج ۵، قم: دار الحدیث.
- محمدی ری شهری، محمد. ۱۳۸۶ش، دانش نامه امیرالمؤمنین (ع) بر پایه قرآن، حدیث و تاریخ، قم: سازمان چاپ و نشر دار الحدیث.
- محمدی ری شهری، محمد. ۱۳۸۷ش، منتخب میزان الحکمة، ترجمه حمیدرضا شیخی، قم: دار الحدیث.

موسوی زنجانی، سید حسین. ۱۳۸۶ش، قرآن و تفسیر راهبردی از تاریخ اسلام و صهیونیسم، قم: سلسبیل.

مقالات

خلیلی زاده حاجی، حکیمه. ۱۳۹۳ش، پایان نامه «بررسی تطبیقی ویژگی‌های مشترک قوم بنی اسرائیل و مردم آخر الزمان از منظر قرآن و روایات معصومین»، دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه قم.

علیزاده، هادی. ۱۳۸۷ش، «ریشه‌های انحراف یهود»، انسان پژوهی دینی، شماره ۱۷، قم مجتمع آموزش عالی شهید محلاتی.

کامیاب، حسین. ۱۳۹۴ش، «مطالعه تطبیقی رفتار بنی اسرائیل و مسلمانان بعد از پیامبرشان با تکیه بر تفاسیر اهل سنت»، مجله تفسیرپژوهی، شماره ۳ از دوره ۲، دانشگاه شهید مدنی آذربایجان.

Bibliography

- The Holy Quran .
Ahmad Bin Fars, 2020, Dictionary of Language Comparisons, Qom: Dar al-Fikr .
Bahrani, Hashem bin Suleiman. 1999, Al-Insaf, translated by Hashem Rasouli, Tehran: Islamic Culture Publishing Office .
Blazeri, Ahmad ibn Yahya. 1958, The Conquest of Countries, translated by Mohammad Tavakol, Tehran: Noghreh .
Pishvaei, Mehdi 2003, History of Islam, Qom: Maaref .
Jafari, Yaqub 2005, History of Islam from the perspective of the Quran, Qom: Maaref .
Hojjati, Seyed Mohammad Baqer and Bi Azar Shirazi. 2000, Tafsir Kashif, vol. 3, Tehran: Islamic Culture Publishing Office .
Khalil bin Ahmad Farahidi. 1409 AH, the book Al-Ain, Qom: Institute of Hijra .
Ragheb Isfahani, Hussein Ibn Muhammad, 1412 AH, Al-Mufradat Fi Gharib Al-Quran, Beirut: Dar Al-Shamiya .
Sobhani, Jafar 2010, Forough Eternity, Qom: Bustan Ketab
Shariatmadari, Jafar. 1998, Explanation and interpretation of Quranic words based on sample interpretation, Mashhad: Astan Quds Razavi .
Tabatabai, Seyed Mohammad Hussein 2014, Al-Mizan, (20-volume translation), vols. 12 and 14 Qom: Islamic Publications Office .
Abdul Baqi, Mohammad Fouad 2008, Dictionary dictionary for the words of the Holy Quran, Tehran: Islamic Publications .
Ayashi, Muhammad ibn Mas'ud. 2001 AH, Tafsir Al-Ayashi, Vol. 2, Tehran: Theological Press .
Faiz Kashani, Mohsen 1983, Al-Safi Fi Tafsir Al-Quran, 2 vols., Vol. 1, Tehran: Islamic School .
Fayumi, Ahmad ibn Muhammad, 1414 AH, Al-Mesbah Al-Monir Fi Gharib Al-Sharh Al-Kabir Lelrafei, Qom: Dar Al-Hijra Institute .

- Mohammadi Rey Shahri, Mohammad 2004, Ahl al-Bayt in Quran and Hadith, translated by Hamid Reza Sheikhi and Hamid Reza Azhir, Qom: Dar Al-Hadith .
- Mohammadi Rey Shahri, Mohammad 2005, Wisdom Letter of the Great Prophet (PBUH), Vol. 5, Qom: Dar Al-Hadith .
- Mohammadi Rey Shahri, Mohammad 2007, Encyclopedia of Amir al-Mo'menin (AS) based on Quran, Hadith and History, Qom: Hadith Publishing Organization .
- Mohammadi Rey Shahri, Mohammad 1387, Montakhab Mizan Al-Hakama, translated by Hamid Reza Sheikhi, Qom: Dar Al-Hadith .
- Mousavi Zanjani, Seyed Hossein. 2007, Quran and Strategic Interpretation of the History of Islam and Zionism, Qom: Salsabil .

Articles

- Khalilizadeh Haji, Hakimeh. 2014, Thesis "A Comparative Study of the Common Characteristics of the People of Israel and the People of the End Times from the Perspective of the Qur'an and the Narrations of Innocents", Faculty of Theology and Islamic Studies, Qom University .
- Alizadeh, Hadi 2008, "Roots of Jewish Deviation", Religious Anthropology, No. 17, Qom Shahid Mahallati Higher Education Complex .
- Kamyab, Hussein 2015, "A Comparative Study of the Behavior of Israelis and Muslims after Their Prophet, Relying on Sunni Interpretations", Tafsirpajoohi Magazine, No. 3, Volume 2, Shahid Madani University of Azerbaijan.

A Comparative View at the Fate of Muslims and Bani Israeil Based on the Verses of Surah Maedah

Date of Receiving: May 8, 2019

Date of Acceptance: September 12, 2019

Amin Fathi: Assistant Professor of Mohaghegh Ardabili University.
amin.fathi45@gmail.com

Abstract

The purpose of this article is to compare the duties and fate of Bani Israel and Muslims in relation to the apparent and inner "caliphate" and "inheritance", and to analyze it based on verses from Surah Maedah. The method of the article is descriptive-analytical with reflection on verses and narrations and citation of historical and interpretive data. The findings of the debate are that the covenant of God, which is guardianship and Imamate, i.e, the apparent and inner "caliphate" and "inheritance", is completed by the installation of the apparent caliphate. Pure human beings are the inheritors of these two caliphates, and sovereignty over the holy land is the manifestation and symbol of outward inheritance supported by the inner caliphate. The spiritual caliphate preserves the apparent and territorial caliphate. The Muslim nation like Bani Israel could not preserve the truth of Islam due to its distance from apparent and inner "caliphate", so now Jerusalem is out of the access of Muslims.

Keywords: Divine Covenant, Bani Israel, Nation, Caliphate, Land.